

پاداش پایان سال زنان کارمند و تبعیض آشکار جنسیتی آشکار

28 بهمن 1400

*قدسیه رضوانیان

در دو، سه روز اخیر، [پاداش پایان سال کارکنان](#)، مستمری‌بگیران و بازنشستگان به استناد مصوبه هیات وزیران در جدولی حیرت‌انگیز منتشر شده و در گروه‌های مختلف فضای مجازی می‌چرخد. آری بسی حیرت‌انگیز؛ چراکه بیانگر تبعیض آشکار جنسیتی آن هم در فرمتی بسیار تخفیف‌آمیز نه برای زنان که برای تصمیم‌گیران و صادرکنندگان این ایده‌هاست، زیرا اولین پرسشی که برای هر مخاطبی ایجاد می‌کند، این است که پاداش در برابر یک سال کار و براساس سنت دیرپای عیدی دادن ایرانی به افراد تحت تکفل صورت گرفته است؟ چرا به همه مردم در ازای تعداد فرزندان‌شان این عیدی پرداخت نمی‌شود؟ اگر در مقابل کار یک ساله کارمندان دولت است که باید پاسخ داده شود که چگونه به این نتیجه رسیده‌اید که کار بانوان از ارزش کیفی کمتری برخوردار بوده است؟ حال آنکه چه بسا عکس این قضیه در محیط‌های کاری قابل اثبات است که زنان حال به هر دلیل - که پژوهش‌های بسیار آن را تایید می‌کند - اغلب کارمندانی با احساس مسوولیت و کار کیفی ارزیابی شده‌اند. وانگهی هیچ برآورد شده است که وقتی در برابر نام مادر فرزند، دریافت پاداش مربوط به فرزند، صفر درج شده است چه تاثیر روانی ناخوشایندی نهاده و سبب چه موضع‌گیری‌ای می‌شود نسبت به سیستمی که چنین تفکری آن را پشتیبانی می‌کند؟ مادری که نه تنها نقش بنیانی در تربیت فرزند دارد، بلکه چه بسا امروز تاثیر انکارناپذیری بر نسل فردا دارد به ویژه که سهم غالبی در [نظام تربیتی](#) این کشور عهده‌دار است.

این رویکرد چه نسبتی با عدالت دارد؟ چگونه با همان گزاره بدیهی پرداخت حقوق کارگر - نه زن و مرد - براساس رنج و تلاش او همخوانی دارد؟ شگفت است چنین مصوباتی در دنیای امروز! دنیایی که چهار اسبه به سوی توسعه می‌تازد و ما همچنان بر مطلوبیت‌های ناکارآمد پافشاری می‌کنیم. گویی این مصوبات نامنسجم، مطالعه نشده و شتاب‌زده از آن رو صورت می‌گیرد که هر نهادی می‌خواهد در مسابقه سیاست افزایش جمعیت، رزومه عملکردش را طویل‌تر تحویل بدهد؛ حال به هر قیمتی؛ حتی به قیمت زیر پا نهادن آشکار عدالت، ناراضی کردن بیش از پیش نیمی از جمعیت که همان زنان باشند و در دهه‌های اخیر سرمایه‌های هنگفتی صرف آموزش و تحصیلات عالی آنان شده است، ضمن اینکه بیشتر به شوخی می‌ماند که پرداخت 400 هزار تومان پاداش بیشتر در برابر تورم لجام گسیخته امروز، عاملی برای ایجاد انگیزه افزایش جمعیت باشد.

تنها مایه تاسف و نومیدی بیشتر نسبت به چنین ایده‌ورزان و تصمیم‌سازانی در وضعیت کنونی کشور و دنیای امروز است. در تصمیماتی از این دست نکته دیگری هم مستتر است و آن اینکه همه آنانی که فرزندی دارند آگاهانه و در راستای همراهی و تایید ساختار سیاسی بوده است و آنان که ندارند یا در مجرد به‌سر می‌برند در مخالفت با این ساختار یا همسویی با فرهنگ غرب و... است. گویی هیچ نمی‌خواهند به دل خود بد راه بدهند که سهم [سیاست‌های نادرست جمعیتی](#) در پیوند با آینده‌سازی

نسل‌های اخیر چه بوده است ضمن اینکه مشکلات و معضلات فردی و بهداشتی خانواده‌های فاقد فرزند هم در محاسبات‌شان هیچ جایی ندارد و نگران‌کننده‌تر از همه اینکه در گوشه این تصمیمات، يك بار هم از خود نمی‌پرسند که در کنار این شعار افزایش جمعیت، حفظ جمعیت کنونی؛ به ویژه نسل جوان که آسیب‌های متنوعی همچون هزاران تصادف جاده‌ای در سال، اعتیاد، پیوستن به گروه‌های ضد اجتماعی، مهاجرت، بیکاری و... هر روز از تعداد آنان می‌کاهد چگونه ما را از جمعیت نقد و کیفی حال حاضر محروم می‌کند.

***عضو هیات علمی دانشگاه مازندران**

روزنامه اعتماد / 181411